



خورشید که غرق نمی شود

روایتی داستانی از زندگی شهید

محمد شمس

نویسنده: فاطمه غفارجادی

www.ketab.ir



خورشید که غرق نمی‌شود

سرشناسه: غفار حدادی، فائزه، ۱۳۶۳ - | عنوان و نام پدیدآور: خورشید که غرق نمی‌شود؛ روایتی داستانی از زندگی شهید محمد شمسی / نویسنده فائزه غفار حدادی | مشخصات نشر: قم: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۹ | مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.؛ مصور، عکس؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م. | شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸-۴۵-۹ | وضعیت فهرست نویسی: فیبا | یادداشت: چاپ قبلی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (آذربایجان شرقی)، سپاه عاشورا، انتشارات ۳۱ (سی و یک) عاشورا، ۱۳۶۴ | عنوان دیگر: روایتی داستانی از زندگی شهید محمد شمسی | موضوع: شمسی، شهید -- ۱۳۶۴ - ۱۳۶۴ -- داستان | موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهید -- Biography -- رده بندی کنگره: PIR۸۳۵ | رده بندی دیویی: ۱۹۸۸-۱۹۸۰ -- شماره کتابشناسی: ۷۳۹۵۴۶

نویسنده: فائزه غفار حدادی
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸-۴۵-۹
توبیت چاپ: دوم، بهار ۱۴۰۳
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان
انتشارات: انتشارات شهید کاظمی
شمارگان: ۱۰۰۰
مدیریت هنری و آماده‌سازی: مؤسسه شهید کاظمی

تمامی حقوق برای نشر شهید کاظمی محفوظ است

دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، فروشگاه ۱۳۱ | شماره تماس: ۰۲۵-۲۷۸۴۰۸۴۴-۶

سامانه پیام‌کوتاه: ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱ | www.manvaketab.ir

 @nashreshahidkazemi



باشگاه مخاطبان

□ مقدمه

خیلی ساده است! ظاهر ماجرا را می‌گوییم. این که کتابی دست گرفته‌اید، از زندگی یک جوان هجده ساله. هر جای دنیا بگویید که من کتابی خوانده‌ام از زندگی یک پسر هجده ساله معاصر، تعجب می‌کنند. هجده سال مگر چقدر است که شخصی در آن چه کتابی به ارزش کتاب نوشتن و ماندگار شدن داشته باشد؟ هجده ساله‌های دنیا همیشه چه کرده‌اند؟ هجده ساله‌های این روزهای اطراف خودمان چه؟ خیلی هنر کنند چهار کتاب درسی و داستان خوانده باشند و به فکر کنکور و انتخاب رشته و دیدن فلان فیلم و رفتن به فلان پارک و باشگاه و فروشگاه. شاید برای جوان‌های امروز این چیزها افسانه باشد. اینکه در روزگاری نزدیک، مام زمین در تکه‌ای از خاورمیانه حاصلخیزتر شده و مردمی به وجود آمده بودند که گاوآهن ظلم سالیان دراز، خاکِ سختِ دل‌هایشان را شخم زده بود. امید به رهایی و آزادگی، بذر شده و در وجودشان فرو رفته بود. دم مسیحایی پیر فرزانه‌ای بر جان‌هایشان حلول کرده و خون مظلومانی، دشت فهم و شعورشان را آبیاری کرده بود. محصول چنین فرایندی آدم‌هایی بودند که می‌توانستند قاعدهٔ معمول زمان را به بازی بگیرند. بلد بودند به تلافی همهٔ غفلت‌های انسان در تاریخ، قدر ثانیه‌های عمرشان را بدانند.

می‌توانستند در عرض یکی دو سال فهم و بصیرت و تجربهٔ سالیان را به دست بیاورند. بعد هم ره صد ساله را یک شبه بروند.

این کتاب، داستان زندگی یکی از همین آدم‌های عجیب است. کسی که بلد بوده قاعدهٔ معمول زمان را به هم بریزد و در هجده سالگی بیش‌تر از عرفای بزرگ خانقاه‌ها و مجتهدین کهن سال حوزه‌های علمیه از زندگی درک و شهود داشته باشد. آن قدر که وصیت‌نامه و یادداشت‌های روزانه‌اش هر مدعی فهم و کمالات و ایمانی را به فکر بیندازد که مگر این آدم چند سالش بوده؟

بدون تأمل روی رفتارها و نوشته‌های آقامحمد شمس، آن پایان باشکوه زندگی‌اش که اگر در غرب اتفاق افتاده بود تا حالا برایش فیلم‌ها ساخته و رمان‌ها نوشته بودند، جلوهٔ واقعی‌اش را نشان نخواهد داد. خواندن و مزمزه کردن طعم ناب زندگی‌اش را به همه توصیه می‌کنم.

در پایان از جناب آقای ناصر گیتی که زحمت انجام مصاحبه‌ها را کشیده و پیگیر کار بوده‌اند، و همچنین یادگار روزهای دفاع و فرمانده آن روزهای آقامحمد، جناب آقای «جمشید نظمی» که زحمت باخوانی و تصحیح متن را کشیده‌اند، تشکر می‌کنم.

فائضه غفار حدادی

بهمن ۹۳